

فرآیند شکل‌گیری رابطه‌ی فرا زناشویی از نگاه مردان

سید یوسف پنجه بند*، حلیمه عنایت

گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۳/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: افزایش پدیده رابطه فرا زناشویی در جامعه، با خود پیامدهای متعددی به همراه داشته است، یکی از پیامدهای آن تزلزل بنیان خانواده و از هم گسیختگی سلول‌های اجتماعی (خانواده‌ها) است. هدف از این مطالعه تبیین فرآیند شکل‌گیری رابطه فرا زناشویی از منظر مردان بود.

روش بررسی: روش تحقیق این مطالعه، نظریه زمینه‌ای است. ۱۶ مرد، با شیوه نمونه‌گیری هدفمند، به عنوان مشارکت‌کننده در شهرستان گچساران انتخاب شدند. داده‌های مطالعه از طریق مصاحبه عمیق و نیمه ساختار یافته، جمع‌آوری شده و با توجه به مراحل سه گانه کدگذاری «باز، محوری و انتخابی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های مطالعه در قالب ۳ مقوله اصلی؛ رابطه نامتناسب عاطفی - جنسی مردان با زنان، ساختار فرهنگی - اجتماعی مستعد کننده نارضایتی جنسی مردان با زنان و معیارهای نادرست انتخاب همسر بودند و ۱ مقوله هسته تحت عنوان رابطه «فرا زناشویی، اعتراض پنهان» خلق گردید.

نتیجه‌گیری: روایت مردان مشارکت‌کننده نشان دهنده آن است که انتخاب همسر آنها به دلیل «بیکار بودن، بالا بودن سن دختر، فرار دختر از جو خانه پدری، مطلقه بودن زن، و بیوه بودن مرد» از روی اجبار بوده است، هم‌چنین «شاغل بودن زن و فشار میل جنسی» نیز موجب ابزاری بودن انتخاب آنها شده است. در اغلب این ازدواج‌ها مردها تفاوت سنی بسیار زیادی با زنان خود داشته‌اند، و از ابتدا بین آنها عشق و علاقه‌ای نبوده است. غالب بودن جو سرد و بی‌تفاوتی بر محیط خانواده و روابط زناشویی آنها، موجب شده که آنها نتوانند از عهده برآوردن نیازهای عاطفی - جنسی همدیگر برآیند. علاوه بر این، فرهنگ شرم و حیای غالب بر اغلب خانواده‌های ایرانی، موجب شده تا صحبت از رابطه جنسی و کیفیت آن نه تنها در محیط‌های عمومی مانند مدرسه، دانشگاه، صدا و سیما مورد اغفال قرار گیرد، بلکه در خانواده‌ها و حتی بین زن و شوهرها نیز به عنوان یک «تابو» به حساب آید و زنان و مردان نتوانند نیازها و تقاضاهای واقعی خود را درباره کیفیت رابطه جنسی رضایت‌بخش با همدیگر در میان بگذارند. این وضعیت زمینه نارضایتی زناشویی را در زندگی آنها فراهم کرده است. در چنین وضعیتی، زنان با برقراری رابطه فرا زناشویی اعتراض خود را به شیوه پنهانی ابراز کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: رابطه فرا زناشویی، مردان، روش شناسی کیفی، نظریه زمینه‌ای، اعتراض پنهان

* نویسنده مسئول: سید یوسف پنجه بند، شیراز، دانشگاه شیراز، گروه جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی

Email: panjehband@yahoo.com

مقدمه

پدیده رابطه فرا زناشویی، یکی از موضوع‌های مهم اجتماعی - فرهنگی است که در محیط‌های عمومی و دانشگاهی مورد بحث قرار می‌گیرد. از آنجا که این موضوع از شخصی‌ترین و اخلاقی‌ترین موضوع‌های مهم اجتماعی - خانوادگی است و پرس و جو درباره آن بسیار مشکل است، محقق سعی کرده از طریق یک پدیده اجتماعی دیگر این موضوع را مورد کنکاش قرار دهد. بر اساس تحقیق‌ها و اظهار نظرهای کارشناسان عمده‌ترین دلیل طلاق در جامعه ایران، رابطه فرا زناشویی است. بنابراین محقق با حضور در دادگاه‌ها، کلینیک‌های مشاوره و سازمان بهزیستی که اماکن قانونی برای واریسی فرآیند طلاق زن و شوهرها می‌باشد، توانسته در مدت زمان ۶ ماه و از طریق برقراری رابطه دوستی و جلب اعتماد مردانی که زندگی مشترک آنها به طلاق منجر شده بود و علت اصلی طلاق آنها خیانت زناشویی بوده، نحوه چگونگی شکل‌گیری خیانت زناشویی آنها را مورد بررسی قرار دهد. نه این که هر زوجی طلاق می‌گیرد به دلیل خیانت زناشویی بوده، بلکه به دلیل اخلاقی بودن موضوع، و مواجه شدن با مشکل، برای پیدا کردن افرادی که با این پدیده درگیر هستند، محقق بهترین شیوه را برای دسترسی به داده‌های لازم برای واریسی این پدیده، دسترسی به افرادی دانسته است که پیامد این موضوع در زندگی آنها آشکار شده و در واقع از واقعیت موضوع باخبر شده‌اند. همچنین به دلیل جنسیت

محقق (مرد بودن)، این موضوع با مردان و از نگاه مردان مورد بررسی قرار گرفته است.

اساس تشکیل خانواده در جامعه، ازدواج است. ازدواج بستری برای کسب حمایت‌های عاطفی، همکاری، شریک جنسی معین، و امنیت اقتصادی است (۱).

در کشور ایران طی دو دهه اخیر نرخ رشد طلاق همواره مثبت بوده و شیب به نسبت تندی را تجربه کرده است، به نحوی که تعداد ۳۷ هزار واقعه طلاق در سال ۷۵ به عدد ۱۶۳ هزار واقعه طلاق در سال ۹۳، بیش از ۴ برابر افزایش یافته است. بر پایه اطلاعات سال ۱۳۹۳ می‌توان گفت به طور میانگین در هر ساعت شبانه روز ۱۸ مورد طلاق در کشور ثبت می‌شود. بدین ترتیب در هر سه دقیقه یک خانواده ایرانی از هم فرو می‌پاشد. این آمار در کنار آمار پنهان اختلافات و ناسازگاری‌های خانوادگی (طلاق پنهان)، زنگ خطر بحران تحکیم خانواده را سال‌هاست که به صدا درآورده است (۲).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مسأله وفاداری جزء اساسی هر رابطه طولانی مدت می‌باشد (۳). خیانت در روابط زناشویی از دلایل اصلی طلاق می‌باشد (۴). روابط پنهانی خارج از حیطه زناشویی همیشه موجب ضربه شدید احساسی به طرفین می‌شود (۵). خیانت زناشویی همچنین باعث بروز احساس تردید، افسردگی و احساس گناه در همسری می‌گردد که خیانت کرده است (۶). زوجینی که با مشکل خیانت زناشویی روبرو می‌شوند، نسبت به زوجینی

که با مشکلات دیگر روبرو هستند احتمال بیشتری دارد که از هم جدا شوند و طلاق بگیرند(۷).

خیانت زناشویی یکی از دلایل عمده از هم پاشیده شدن ازدواج‌ها می‌باشد(۸)، زیرا ابزاری است که به وسیله آن بدون این که فرد به یک تخلف جنایی آشکار دست بزند، جنبه مشکل‌زا و تاریک‌تر شخصیت خود را نشان می‌دهد(۹). مهمترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شود، تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی است(۸).

دریگو تاس و بارتا خیانت را عبور فرد از مرز رابطه زناشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه تعریف می‌کنند(۱۰). بی وفایی و خیانت، با توجه به عوارض نابهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب‌ها و مشکلات مختلفی را برای هر یک از افراد دیگر ایجاد می‌نماید(۱۱). از پیامدهای خیانت همسر می‌توان به مسایلی نظیر ضرب و شتم، قتل همسر و اقدام به خودکشی اشاره کرد. حتی در بسیاری از موارد شوهران، همسران خود را به دلیل وجود نفر سوم (معشوق) می‌کشند(۱۲).

با توجه به تأثیر خیانت زناشویی بر روابط زن و شوهری و پیکره و بنیان خانواده‌ها، ضرورت مطالعه و تحقیق درباره بسترها و دلایل این پدیده، مهم و اساسی به نظر می‌رسد. از آنجا که موضوع رابطه فرا زناشویی، از خصوصی‌ترین موضوع‌های فردی- خانوادگی است، تحقیق و پرس و جو درباره فرآیند چگونگی آن، تنها از طریق گفتگو و مصاحبه رو در رو، امکان پذیر است. بنابراین این مطالعه، این مهم

را با شیوه کیفی و روش شناسی گراند تئوری، و با استفاده از تجارب زیسته افرادی که درگیر این پدیده بوده‌اند، مورد بررسی قرار داده است. لذا هدف این مطالعه، تبیین فرآیند شکل‌گیری خیانت زناشویی از منظر مردان بود.

روش بررسی

روش شناسی این تحقیق از نوع کیفی استقرایی است. یکی از استراتژی‌های مشهور در این روش شناسی، نظریه زمینه‌ای است. این روش به وسیله دو جامعه شناس به نام گلیزر و استروس به وجود آمده است(۱۳). استروس و کوربین معتقدند که منظور آنها از نظریه زمینه‌ای، نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده اند(۱۳).

البته دو نوع اصلی رویکرد در نظریه زمینه‌ای وجود دارد که عبارت است از: رویکرد عینی‌گرایی استراوس و کوربین و رویکرد سازنده- گرای چارمز(۱۴). در رویکرد عینی‌گرایی که از روندهایی منظم و تحلیلی برخوردار است، محقق به صورت نظام مند به دنبال بسط نظریه‌ای است که به تبیین فرآیند، کنش و تعامل در موضوع مورد مطالعه خود بپردازند(۱۵). در این مطالعه از رویکرد عینی‌گرایی استراوس و کوربین استفاده شده است.

در مطالعه‌های کیفی و به طور خاص در نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها هم‌زمان انجام می

داده شد که صحبت‌های آنها محرمانه خواهد ماند و این گفتگوها صرفاً برای انجام یک کار تحقیقی است، و استفاده از نتایج آن برای جلوگیری و کاهش خیانت زناشویی در سطح جامعه می‌باشد.

نمونه‌گیری نظری تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری (مصاحبه با ۱۶ نفر) حاصل گشت. قاعده کلی به هنگام نظریه‌سازی این است که به‌گردآوری داده‌ها تا زمانی که مقوله‌ها اشباع شوند باید ادامه داد. یعنی تا زمانی که الف) هیچ داده جدید یا مرتبط به یک مقوله به دست نیاید، ب) مقوله‌ها لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته باشد و گوناگونی‌های آن را به نمایش بگذارد (۱۶). به طور کلی، در این پژوهش زمانی اشباع نظری به دست آمد که محقق از چگونگی فرآیند شکل‌گیری خیانت زناشویی در بین مشارکت‌کنندگان اطمینان پیدا کرد و نسبت به تبیین نظری تحقیق نیز تا حدی مطمئن شد

ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در گراند تئوری بر مبنای سه شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. منظور از کدگذاری عملیاتی است که طی آن داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی و به شکل تازهای در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند (۱۴).

در این بخش؛ بعد از پیاده شده متن به روی کاغذ و آماده شدن متن برای تحلیل، جمله به جمله از هم تفکیک شدند و برای هر جمله یک برچسپ تحت عنوان مفهوم زده شد (کدگذاری باز). مفاهیمی که برای هر جمله به عنوان برچسپ انتخاب شده یا از محتوا و حرف‌های مصاحبه‌شوندگان (کدهای طبیعی) گرفته

شود تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند (۱۳). کرسول، اشتروس و کوربین معتقدند که در مطالعه‌ها نظریه زمینه‌ای، مصاحبه نقش محوری دارد و منبع اصلی جمع‌آوری داده‌ها است (۱۵). در این تحقیق برای دست‌یابی به اهداف پژوهش، باید روایت‌ها و نقل قول‌های مردانی که تجربه فرآیند خیانت زناشویی را داشتند، می‌شنیدیم و برای این منظور از تکنیک مصاحبه استفاده گردید.

این تحقیق با استفاده از استراتژی نمونه‌گیری هدفمند، معیار، نظری و با مشارکت مردانی که تجربه خیانت زناشویی را در زندگی مشترک داشته‌اند، در شهرستان گچساران انجام شده است. از آنجا که این مقاله بخشی از رساله دکتری محقق در رشته جامعه‌شناسی، راجع به طلاق بوده است، در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و در زمان مصاحبه با مردان مشارکت‌کننده تحقیق، از مجموع ۵۱ نفر مصاحبه شونده، ۳۸ نفر اقرار به خیانت زناشویی در زندگی مشترک خود کردند. محقق پس از تحلیل و بازخوانی دوباره مصاحبه‌های انجام شده، اقدام به برقراری ارتباط و تعامل مجدد با مشارکت‌کنندگانی کرد که دلیل طلاق خود را خیانت زناشویی بیان کرده بودند، و درباره موضوع خیانت زناشویی با آنها مصاحبه دوباره و رو در رو انجام داد. بنابراین هیچ پرونده‌ای در حوزه قضایی نبوده است.

اطلاع و موافقت مردان مورد مطالعه از معیارهای اصلی محققین برای انتخاب مشارکت‌کنندگان بوده است. به مشارکت‌کنندگان اطمینان

شده و یا به وسیله محقق ساخته شده است. در مرحله بعد، با مقایسه و دسته‌بندی، مفاهیمی را که در یک دسته و طبقه جای می‌گرفتند، تحت عنوان یک مقوله نام‌گذاری شده‌است و در مرحله بعد، دوباره مقوله‌ها با هم مقایسه شدند و مقوله‌هایی که با همدیگر اشتراک داشتند و می‌توانستند در مقوله انتزاعی‌تر باشند، با هم ترکیب شدند و یک مقوله اصلی را تشکیل دادند (کدگذاری محوری). در مرحله آخر محقق برای هر چند مقوله که بیشترین اشتراک را با هم داشتند، یک مقوله هسته‌ای استخراج کرده به گونه‌ای که این مقوله هسته‌ای بتواند بیشترین پوشش را برای تمام مقوله‌های مربوطه ایجاد کند (کدگذاری انتخابی).

برای صحت و استحکام داده‌های این تحقیق از ۳ استراتژی بررسی همکاران «استفاده از نظرات اساتید و دانشجویان دوره دکتری»، «چک کردن به وسیله مشارکت کنندگان» «مصاحبه دوباره با چند نفر از مصاحبه شونده‌گان» و توصیفات عمیق و غنی برای قابلیت اعتماد «شنیدن واقعیت از زبان مصاحبه شونده گان» استفاده شده است.

یافته‌ها

پس از تحلیل و تفسیر مصاحبه‌های مشارکت کنندگان، ابتدا مفاهیم خرده‌مقوله‌ها آورده شده، سپس ۳ مقوله اصلی تحقیق همراه با نقل و قول‌های مشارکت کنندگان به عنوان دلایل و بسترهای شکل‌گیری خیانت زناشویی در زندگی زناشویی آنها

مطرح شده و پس از آن نظریه‌ی نهایی تحقیق شرح داده شده است (جدول ۱).

معیارهای نادرست انتخاب همسر، تفاوت سنی زیاد مرد از زن، انتخاب همسر اجباری، و انتخاب همسر ابزاری، اولین مرحله که زمینه خیانت زناشویی را در زندگی زناشویی مردان این مطالعه فراهم کرده، انتخاب نادرست همسر بوده است که خود متأثر از ۳ خرده مقوله تفاوت سنی زیاد مرد از زن، انتخاب اجباری و ابزاری همسر بوده است.

زمانی که مرد از نظر سنی خیلی بزرگتر از زن باشد، بعد از سن خاصی معمولاً توانایی جنسی مرد کاهش می‌یابد و قادر به برآورده کردن نیاز جنسی زن نیست. این نکته از سوی چند نفر از مشارکت کنندگان این تحقیق بیان شد. ۵ نفر از مردان مشارکت کننده تحقیق تفاوت سنی زیادی با همسر خود داشته اند. مشارکت کننده شماره ۱۵ می‌گوید: «همیشه بین من و زنم دعوا بود، بهم سرکوفت می‌زد. به سال بعد از عروسی بچه‌دار شدیم. سنش خیلی از من کمتر بود، قیافه‌ش هم خیلی خوش تیپ‌تر از من بود، مدام بهم می‌گفت پیرمرد بداخلاق مزخرف، سعی می‌کردم همه چیز را تحمل کنم».

تفاوت سنی زیاد مرد از زن موجب شده تفاوت‌های دیگری مثل قیافه و ظاهر جا باز کند، به علاوه این امر موجب شده زن به شوهرش سرکوفت بزند و حرمت بین آنها شکسته شود.

مشارکت کننده شماره ۷ در این باره می‌گوید، «من ۴۵ ساله بودم و زنم ۲۳ ساله. تفاوت سنی ما

معمولاً وقتی مردی به دلیلی زنش را از دست دهد، مخصوصاً وقتی بچه هم داشته باشد، این پدیده برای او فشار ایجاد می‌کند. به علاوه چون در جامعه ایران، ازدواج دوم برای آقایان راحت‌تر است، مردم اصرار به ازدواج مرد دارند. مشارکت‌کننده شماره ۸، می‌گوید، « ۲۰ سال پیش زمانی که زنم مرد، ۸ تا بچه داشتم، اطرافیان اصرار داشتند حتماً زن بگیرم. زنم که ۲۰ سال از من کوچکتر بود بهم معرفی کردن، اول نمی‌خواستمش، ولی اصرار کردن که سمت او مده روی دختر باید باهاش ازدواج کنی» (ازدواج با اصرار مردم).

امن‌ترین محیط برای هر فردی خانواده است، هر وقت به دلایلی این امنیت فراهم نشود، معمولاً مناسب‌ترین گزینه، ازدواج است که در بین مردم پذیرفته شده و قابل قبول است. مشارکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید، «وقتی رفتیم خواستگاری، با دختره صحبت کردم، گفت چون می‌خوام از سردرگمی رها بشم، ازدواج می‌کنم. دختره هر سال خونه یکی از برادر و خواهرش بود، آن هم برادر و خواهرهای ناتنی» (ازدواج زن برای فرار از جو خانه).

می‌بینیم که انتخاب همسر مشارکت‌کنندگان این تحقیق از ابتدا یا از روی اجبار بوده و یا برای استفاده ابزاری بوده، بین آنها عشق و علاقه‌ای نبوده و از نظر سنی مردان خیلی بزرگتر از همسران آنها بوده‌اند.

ساختار فرهنگی- اجتماعی مستعد‌کننده نارضایتی جنسی مردان با زنان: فرهنگ مصرف مواد

خیلی تفاوت‌های دیگر را ایجاد کرده بود. مثلاً با ماشین تو خیابون ویراژ می‌رفت. عینک دودی‌های خیلی خاص که تیپ‌های جوون و سوسول می‌پوشند استفاده می‌کرد، از نظر جنسی نمی‌تونستم ارضاش کنم» (تفاوت سنی ۲۲ ساله مرد از زن).

تفاوت سنی زیادی که این مرد با همسرش داشته، تفاوت‌های فکری و سلیقه‌ای بین آنها ایجاد کرده است. علاوه بر این مرد توانایی برآورده کردن نیازهای جنسی همسرش را نداشته است.

یکی از الگوهای ازدواج که از صحبت مصاحبه‌شوندگان استنتاج شده، ازدواج اجباری است. فشارهای اجتماعی الزام آور مثل بالا رفتن سن دختر، ترس از مجرد ماندن، بیکاری مرد، و محیط نامناسب خانه، افراد را وادار به ازدواج اجباری کرده است.

مشارکت‌کننده شماره ۶ در مورد نحوه ازدواجش می‌گوید، «زنم خیلی دختر نشینی کرده بود، با مادرش توی خونه برادرش زندگی می‌کردن، بعداً فهمیدم که توی خونه برادرش خیلی بهشون سخت می‌گذشته، مدام با هم دعوا می‌کردن و از بودن در کنار آنها خسته شده. البته قیافه قشنگی هم نداشت که بخواد از این طریق خودی نشون بده» (فرار زن از جو خانواده پدری).

در جامعه به طور کلی و در محیط‌های کوچک به طور خاص، بالا رفتن سن دختر چنان برجسپ و داغ اجتماعی بر او می‌زند که دختر حاضر است برای فرار از حرف دیگران تن به ازدواج کاملاً ناخواسته دهد.

برای رابطه جنسی لذت بخش، تابوی صحبت از کیفیت روابط جنسی در خانواده‌ها، علاوه بر انتخاب نادرست همسر، فرهنگ مصرف مواد برای داشتن رابطه جنسی لذت‌بخش و تابو بودن صحبت از کیفیت روابط جنسی در خانواده‌ها نیز به عنوان ساختار فرهنگی - اجتماعی مستعد کننده نارضایتی جنسی در جامعه زمینه خیانت زناشویی را در زندگی زناشویی این مردان فراهم کرده است.

از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز فرآیند خیانت زناشویی مردان این مطالعه، اعتیاد به مواد مخدر بوده است. گرایش به مواد مخدر از آسیب‌هایی است که انسان را نسبت به فرهنگ اجتماعی بیگانه ساخته و موجبات فروپاشی زندگی فردی و حیات اجتماعی بشر را فراهم ساخته است.

لذت بیشتر از رابطه جنسی و زناشویی موجب روی آوردن این مردان به مصرف مواد مخدر شده است. مشارکت کننده شماره ۳ در مورد اعتیاد خود اینطور می‌گوید، «وقتی ازدواج کردیم مشکلی نداشتیم. تا اینکه برادر بزرگم معتاد شد و من هم پیش او کم کم تحریک شدم و برای لذت بیشتر از رابطه زناشویی مواد مصرف کردم» (مرد ۳۲ ساله).

این مشارکت کننده در تعامل با یک الگوی رفتاری (مصرف مواد) برای لذت بردن از رابطه زناشویی قرار گرفته، اما بعد از مدتی مصرف مواد مخدر موجب از هم پاشیدگی زندگی مشترک او شده است.

تابوی صحبت از کیفیت روابط جنسی در خانواده‌ها نیز زمینه نارضایتی جنسی زن و مرد را فراهم کرده است. تقریباً هیچ کدام از مشارکت کنندگان تحقیق حاضر، از نحوه ارتباط جنسی با همسر خود رضایت نداشتند و بنا به گفته آنان هیچ فرصتی فراهم نمی‌شده که با همسر خود در این باره صحبت کنند. این موضوع به عنوان یک راز و «امر نگو» در بین آنها بوده است، که این خود زمینه خیانت زناشویی را بین آنها ایجاد کرده است.

رابطه نامتناسب عاطفی - جنسی مردان با زنان؛ ناکارآمدی روابط جنسی، کاهش چگالی روابط زناشویی، علاوه بر انتخاب نادرست همسر که موجب بی‌رغبتی و بی‌علاقگی این مردان با زنان آنها شده است، شرم و حیای خانواده‌ها در رابطه با صحبت از کیفیت رابطه جنسی رضایت بخش و فرهنگ غلط استفاده از مواد برای داشتن یک رابطه جنسی موفق، موجب شده است که این مردان نتوانند نیازهای عاطفی - جنسی زنان خود را برآورده کنند. مهم‌ترین و اساسی‌ترین بسترها و دلایل خیانت زناشویی که اغلب مشارکت کنندگان تحقیق به آن اشاره کرده‌اند، رابطه جنسی ناموفق بوده است.

مهم‌ترین مسائل جنسی در بین این مشارکت کنندگان، ناتوانی جنسی مرد بوده و این ناتوانی جنسی به صورت‌های مختلف مانند؛ بی میلی جنسی، زود ارضایی، و بی رغبتی جنسی مرد به زن بوده است. مشارکت کننده شماره ۱۶ وضعیت رابطه جنسی

رابطه جنسی تنها به عنوان یک رابطه جنسی دیده نمی‌شود، بلکه به عنوان علاقه و وفاداری زن و شوهر به همدیگر به حساب می‌آید. قطع رابطه جنسی از طرف زن یا شوهر به معنی نبود عشق و علاقه به طرف مقابل است. مشارکت‌کننده شماره ۱۳ مردی بوده که زنش به او اجازه ارضاء جنسی را نمی‌داده، «بعد یه مدت رابطه جنسیمون خیلی بد شد، اصلاً اجازه نمی‌داد ارضاء بشم. من از این جریان خیلی ناراضی بودم، از آن موقع دیگه بهانه‌ها توی خونه شروع شد» (عدم ارضاء جنسی مرد).

همکاری نکردن زن در برقراری رابطه جنسی با مرد موجب نارضایتی مرد و ایجاد خشونت بین آنها شده است. مشارکت‌کننده شماره ۲ بی‌رغبتی همسرش را به خود موجب قطع ارتباط جنسی او دانسته، «تنها ارتباط جنسی ما شب اول بود، آن هم از روی اجبار و بی‌رغبتی» (قطع ارتباط زن ۱۷ ساله با مرد ۳۱ ساله).

مشارکت‌کننده شماره ۸ که حدود ۳۰ سال از همسرش بزرگتر بوده، نارضایتی جنسی او را موجب خیانت زناشویی دانسته، «زنم می‌گفت از رابطه با تو لذت نمی‌برم. حدود ۴ سال با او رابطه جنسی نداشتم. ازم می‌خواست رابطه جنسی قوی داشته باشم، اما این درخواستش در حد سن و سال من نبود. مدام بهم طعنه می‌زد چون بودی بهتر می‌شد» (ناتوانی جنسی مرد ۷۰ ساله با همسر ۴۳ ساله).

خود را با همسرش این‌طور توصیف می‌کند، «مشکل اساسی ما وقتی شروع شد که دیگه توانایی رابطه جنسی نداشتم، هر کدام توی یه اتاق جداگانه می‌خوابیدیم» (مرد ۲۴ ساله مبتلا به ناتوانی جنسی).

این مرد ضعف توانایی جنسی خود را موجب قطع ارتباط جنسی با همسرش دانسته است. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ که بیماری جسمی زمینه‌خیانت زناشویی را در زندگی مشترکش فراهم کرده، می‌گوید، «چیزی که خیلی عذاب‌م‌می‌داد ناتوانی جنسیم بود. حدود ۳ سال نتونستم با زنم رابطه جنسی داشته باشم، تقریباً یه رابطه زندانی و زندانبان داشتیم، فقط کنترل می‌کردم جایی نره و یا کار خاصی نکنه. زنم هم سرکوفت بهم می‌زد مدام ازم درخواست رابطه جنسی می‌کرد. از این بابت هم دعوا و درگیری توی خونه راه می‌انداخت» (مرد ۳۲ ساله مبتلا به بیماری دیابت و ناتوانی جنسی).

ناتوانی جنسی این مرد موجب شده رابطه عاطفی بین او و همسرش تبدیل به یک رابطه کاملاً رسمی، کنترل‌شده و لبریز از بی‌اعتمادی شود. مشارکت‌کننده شماره ۱۵ رفتار جنسی همسرش را این‌گونه توصیف می‌کند، «عمداً برای این که نرم پیشش بخوابم، دخترشو می‌برد پیشه خودش توی همون اتاق می‌خوابوند. هر روز یه بهانه می‌آورد یا می‌گفت عفونت دارم یا می‌گفت سرم درد می‌کنه، بعضی اوقات ۲ ماه یه بار هم نمی‌داشت برم پیشش» (مرد ۶۰ ساله با همسر ۳۵ ساله).

بالا بودن سن مرد و تفاوت سنی زیاد او با همسر، موجب عدم توانمندی مرد در برقراری یک رابطه جنسی رضایت بخش با او شده و این کنش ناموفق سبب خیانت زناشویی زن نسبت به مرد شده است. مشارکت کننده شماره ۵ نحوه رابطه جنسی با همسرش را این طور بیان می‌کند، «اجازه نمی‌داد با او رابطه جنسی داشته باشم، تنها یه بار اون هم شب اول ازدواجمون با او رابطه جنسی داشتم. بهم میگفت خونتو به اسمم کن تا بذارم با من همبستر بشی» (عدم تمکین زن از مرد).

کاهش چگالی روابط خانوادگی، اشاره به این دارد که کاهش روابط خانوادگی زن و شوهر و روابط آنها با خانواده‌های خود، موجب آسیب دیدگی رابطه زناشویی آنها می‌شود. مشارکت کنندگان این تحقیق، شرکت نکردن در مناسک جمعی خانوادگی و وقت نگذاشتن زن و شوهر برای همدیگر را از شاخصه‌های کاهش چگالی روابط خانوادگی خود دانسته‌اند.

مشارکت کننده شماره ۴ در این باره می‌گوید، «وقتی می‌خواستم برم خونه بابام می‌گفت چرا نریم خونه بابای من؟ می‌گفت برم خونه بابات چکار کنم چطور تو نمایای خونه بابای من».

قطع ارتباط مرد با خانواده همسر، دلیل محکمی برای قطع ارتباط زن با خانواده پدر شوهرش بوده است. مشارکت کننده شماره ۵ رابطه همسرش را با خود این گونه توصیف می‌کند، «وقتی با هم بودیم

خیلی بد می‌گذشت، سعی می‌کرد ازم فرار کنه. مثلاً وقتی از سر کار بر می‌گشتم خونه؛ می‌رفت بیرون توی کوچه پیش زن‌های همسایه می‌نشست، از بودن با من اذیت می‌شد، لذت نمی‌برد. هیچ جا با هم نمی‌رفتیم. نه مهمونی، نه خیابون. حاضر بود با دختر همسایه بیاد بیرون توی خیابون، اما با من بیرون نیاد. انگار از بودن با من و این که من شوهرشم خجالت می‌کشید».

از مهم‌ترین بسترهای تعاملی بین زن و مرد مدت زمانی است که با هم می‌گذرانند. زنی که از بودن با همسرش خجالت می‌کشد و به جای همراهی با او، تلاش دارد با کس دیگری بیرون برود، اما با شوهرش نباشد، مبین این واقعیت است که بین این زن و شوهر عشق و علاقه‌ای نیست و جو سردی بر رابطه آنها حاکم است. مشارکت کننده شماره ۶ که همسرش بعد از ۲۰ سال از او جدا شده، می‌گوید، «توی جشن‌های خانوادگی ما شرکت نمی‌کرد. اجازه نمی‌داد پسرمو ببرم خونه بابام. اگه یکی از خانواده پدرم می‌اومد خونه، آنچنان دعوا و بداخلاقی می‌کرد که مجبور می‌شدن برن. خانواده‌ام به خاطر این که توی خونه من دعوا نشه هیچ ارتباطی با من نداشتن. دیگه بین قوم و خویشام و آنهایی که منو می‌شناختن زبانزد عام و خاص شده بودم».

مشارکت کننده شماره ۹ مردی که زنش به دلیل اعتیاد، به او خیانت کرده، می‌گوید، «هر روز صبح تا عصر سر کار بودم فقط یه ساعت برای نهار

رغبتی و بی‌علاقگی آنها به همدیگر شده است، و این بی‌رغبتی موجب شده تا از بودن با همدیگر لذت نبرند. کاهش چگالی روابط زن و شوهری موجب شده تا از نظر عاطفی از هم فاصله بگیرند و بین آنها جدایی عاطفی ایجاد شود. این جدایی عاطفی زمینه بی‌تفاوتی و جدایی فیزیکی مرد و زن را فراهم کرده است. این روند بر تعاملات زناشویی آنها تأثیر منفی گذاشته و موجب کژکارکردی روابط زناشویی آنها شده است.

ناتوانی جنسی بعضی از مردان و عدم رضایت جنسی همسران آنها زمینه نارضایتی زناشویی آنها را فراهم کرده است. از آنجا که در خانواده‌های ایرانی مخصوصاً محیط‌های سنتی و کوچک زن و شوهرها به دلایل متفاوتی مخصوصاً به دلیل شرم و حیا قادر به ابراز نیاز جنسی و انتظار از شریک جنسی خود نیستند، بنابراین این مشکل نه تنها حل نشده، بلکه زمینه دیگر مشکلات را در زندگی زناشویی آنها فراهم کرده و مانند یک «بمب» در زیر پوست روابط خانوادگی جایگذاری شده است. در چنین شرایطی محیط خانواده و روابط زن و شوهری مملو از نارضایتی شده است. معمولاً هر جا نارضایتی باشد به دنبال خود اعتراض نیز به همراه دارد. از منظر مشارکت‌کنندگان تحقیق، زنان با برقراری ارتباط جنسی خارج از چارچوب خانواده به شیوه پنهانی اعتراض خود را، نسبت به وضعیت موجود نشان داده‌اند.

به خونه می‌اومدم، خیلی وقتی برای این که با خانمم باشم نداشتم. نهایتاً خانمم از طریق دوستاش به مواد مخدر اعتیاد پیدا کرد و از طریق همین اعتیاد به فساد اخلاقی کشیده شد.»

وقت نگذاشتن برای یک ارتباط عاطفی مناسب با همسر، که انتظار بیشترین محبت و ابراز علاقه را از شوهر خود دارد، موجب شده تا زن برای پر کردن این خلأ عاطفی به سمت دوستان ناباب برود، آنها هم این کمبود را با به انحراف کشاندن او برایش پر کنند. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ که از هر ماه ۲۴ روز خانه نبوده، می‌گوید عدم حضورم در خانه باعث شد تا همسرم برای فرار از تنهایی به دانشگاه برود و فضای دانشگاه جای خالی مرا برای او پر کند. او در این باره می‌گوید، «هر ماه فقط ۶ روز خونه بودم، همین بین ما فاصله انداخت، و باعث شد تا دانشگاه این فضای خالی را پر کنه.»

رابطه فرا زناشویی؛ اعتراض پنهان مردان طلاق داده این مطالعه، در شرایط خاص خانوادگی مانند؛ بیکاری، مهیا نبودن شرایط مادی برای ازدواج، فشار میل جنسی و بعضاً فشار خانواده‌ها دست به انتخاب همسر زده‌اند. همسران آنها نیز در موقعیت‌های خاصی مانند؛ ترس از عذب ماندن، فرار از جو خانه پدری، ازدواج برای فرار از سردرگمی و مطلقه بودن و بیوگی قرار داشتند. شروع زندگی مشترک از هر دو طرف «مرد و زن» از روی اختیار و علاقه نبوده است. ناهمگنی سن مرد با زن موجب بی

جدول ۱: مفاهیم، خرده مقوله‌ها، مقوله‌های اصلی و مقوله هسته تحقیق

مفاهیم	خرده مقوله	مقوله‌های اصلی	مقوله هسته
ناتوانی جنسی مرد، بی میلی جنسی زن، عدم تمکین زن از مرد، زود ارضایی مرد	ناکارآمدی روابط جنسی	رابطه نامتناسب عاطفی - جنسی مردان با زنان	
وقت نگذاشتن زن و شوهر برای همدیگر، قطع ارتباط با خانواده پدری	کاهش چگالی روابط خانوادگی		
مصرف مواد برای لذت از رابطه جنسی، مصرف مواد برای جلوگیری از زود ارضایی	فرهنگ مصرف مواد برای داشتن رابطه جنسی لذت بخش	ساختار فرهنگی - اجتماعی مستعد کننده نارضایتی جنسی مردان با زنان	رابطه فرارناشویی: اعتراض پنهان زن
راحت نبودن زن و مرد برای صحبت از رابطه جنسی رضایت بخش، عدم آموزش دختران و پسران قبل از ازدواج از طریق مدارس، صدا سیما، و برای آشنایی با یک رابطه جنسی موفق	تابوی صحبت از روابط جنسی در خانواده ها		
تفاوت سنی زیاد مرد از زن	تفاوت سنی زیاد زن و شوهر	معیارهای نادرست انتخاب همسر	
انتخاب همسر به دلیل شاغل بودن، انتخاب همسر برای نیاز جنسی	انتخاب ابراری		
انتخاب برای فرار از جو خانه پدری، انتخاب به اجبار خانواده، انتخاب برای فرار از بیکاری، انتخاب برای فرار از مجرد نماندن	انتخاب اجباری		

بحث

جنسی لذت بخش در میان مردان این مطالعه موجب ناتوانی جنسی، عدم رعایت بهداشت فردی، انزوای اجتماعی، خشونت فیزیکی، طلاق عاطفی و طلاق جنسی بین آنها و همسران آنها شده است. از آنجا که در محیط جامعه همیشه در مجامع عمومی «مدارس، دانشگاهها، صدا و سیما، سریالها و فیلمها، تریبونهای عمومی، خانواده ها» به مسأله جنسی به عنوان یک امر مذموم و تابو نگاه کرده‌اند. صحبت از کیفیت رابطه جنسی حتی در خصوصی‌ترین موقعیت که همان رابطه زناشویی است، هم زشت و خنده‌دار به نظر می‌رسد. این نحوه نگاه به یک پدیده کاملاً اجتماعی و اساسی در محیط خانواده‌ها موجب شده تا تعارضات زن و شوهرها در این مورد حل نشده باقی بماند. همسران این مردان،

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده و روایت مردان مشارکت کننده تحقیق که تجربه طلاق را داشته‌اند، دلیل اصلی جدایی این مردان از همسران آنها، خیانت زناشویی بوده است. بر اساس یافته‌های این مطالعه خیانت زناشویی اغلب از طرف زنان نسبت به مردان انجام شده است. با توجه به ساختار فرهنگی - اجتماعی جامعه ایران به طور عام و جوامع کوچک و سنتی به طور خاص، زنان با محدودیت‌هایی زیادی مواجه هستند. فرهنگ استفاده از مواد مخدر برای داشتن رابطه جنسی لذت بخش و تابوی صحبت از کیفیت رابطه جنسی در خانواده به عنوان شرایط مداخله‌گر در خیانت زناشویی همسران این مردان بوده است. استفاده از مواد مخدر برای داشتن رابطه

پاشیدگی زندگی زناشویی و ایجاد پیامدهای متعدد فردی و خانوادگی شده است. اساسی‌ترین و مؤثرترین اقدامی که این زنان در اعتراض به وضعیت زناشویی خود انجام داده‌اند، برقراری رابطه فرا‌زناشویی بوده است. این اقدام زنان حاوی پیام‌های متعددی بوده است. اولین پیام این است که نیازهای عاطفی - جنسی آنها در محیط خانواده و در تعامل با «شریک زندگی» خود، برآورده نشده است. پیام دوم، تحت فشار قرار دادن مرد از جانب زن برای جدایی و طلاق بوده است. پیام سوم، تلنگر وارد کردن به مرد برای آگاه شدن از وضعیت نابهنجار خانوادگی است. یافته‌های این مطالعه با یافته‌های بعضی از مطالعه‌های انجام شده داخلی سازگاری دارد. تحقیقی که شهرستانی (۱۷)، با عنوان «پیش‌بینی رضایت‌مندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهرستان مشهد»، انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که صمیمیت زناشویی بر رضایت‌مندی زناشویی مؤثر است. تحقیقی نیز مدرسی (۱۸)، با عنوان «میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق داری سابقه خیانت زناشویی و فاقد خیانت زناشویی»، انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده است که کیفیت رابطه و عشق میان زوجین و میزان تخریب ابعاد مختلف آن در گرایش به روابط فرا‌زناشویی مؤثر است. همچنین محسن زاده (۱۹)، در تحقیقی با عنوان «مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق؛ مطالعه موردی شهر کرمانشاه»، به این نتیجه

زمانی که در زندگی مشترک با یک سری نارضایتی‌ها و ناخوشنودی‌هایی مواجه شده‌اند، شیوه‌ای را انتخاب کرده‌اند که بیشترین ضربه را به مرد وارد کنند، همچنین از این طریق بتوانند تنفر و نارضایتی خود آنها را نسبت به ادامه زندگی با شریک زندگی خود اعلام کنند. زن وقتی نتواند با شوهر خود رابطه عاطفی مناسب برقرار کند، محبت مورد نیاز را به دست بیاورد، و نیاز جنسی خود را برآورده کند، دچار خلأ عاطفی - جنسی می‌شود. در این موقعیت زنان نسبت به وضعیت پیش آمده احساس نارضایتی و ناخشنودی می‌کنند. معمولاً در یک محیط اجتماعی هر وقت در روند تعاملات، مانعی ایجاد شود و یکی از طرفین احساس نارضایتی کند، به نوعی باید بتواند احساس نارضایتی و ناخشنودی خویش را به طرف مقابل اعلام کنند. با وجود این اغلب ناسازگاری‌های زناشویی در خانواده‌های ایرانی در سایه‌ای از ابهام قرار دارد. در بازدیدی که محقق از پرونده‌های طلاق در دادگاه خانواده و سازمان بهزیستی داشته است، در بیشتر پرونده‌ها علت طلاق را عدم تفاهم بیان کرده‌اند. این اصطلاح «عدم تفاهم» در زبان اغلب مردان و زنان و حتی کارشناسان حوزه خانواده به عنوان علت اصلی طلاق مطرح شده است. در خانواده‌های ایرانی به دلایل متعدد مانند؛ شرم و حیا، ترس صحبت از نیازهای واقعی زناشویی که همان رابطه جنسی رضایت بخش می‌باشد، به نظر زشت و موجب کسر شأن دانسته می‌شود. در تحقیق حاضر خیانت زناشویی زنان نسبت به شوهران آنها موجب از هم

رسیده اند که ازدواج با انگیزه نامناسب و ازدواج اجباری بر گرایش زوجین به خیانت زناشویی مؤثر است.

با توجه به نظریه نهایی تحقیق «رابطه فرزندناشویی، اعتراض پنهان»، قضیه نظری مطالعه حاضر عبارت است از این که، هر وقت انتخاب همسر انتخابی اجباری یا ابزاری باشد و از همان ابتدای زندگی مشترک، بین مرد و زن عشق و علاقه‌ای نباشد و مرد نتواند نیازهای عاطفی - جنسی زن را برآورده کند و این زوجین در شرایطی قرار بگیرند که نتوانند نیازهای خود را نسبت به همدیگر ابراز کنند، بین آنها نارضایتی بوجود می‌آید و این نارضایتی احتمالاً منجر به برقراری رابطه فرا زناشویی می‌گردد.

به دلیل شخصی بودن و اخلاقی بودن موضوع مورد تحقیق، محقق در پیدا کردن افراد مشارکت کننده، جلب اعتماد و یافتن روند شکل‌گیری پدیده (خیانت زناشویی) و همچنین در ارایه یافته‌ها با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه بوده است.

با توجه به زمینه‌ها و بسترهای مطرح شده از سوی مشارکت کنندگان تحقیق به عنوان دلایل خیانت زناشویی در زندگی مشترک آنها، محقق راهکارها و پیشنهادها را زیر را ارایه می‌دهد؛ جلوگیری از انجام ازدواج‌های ناهمگن سنی، هم از طریق خانواده‌ها و هم از طریق مراجع قانونی. به این معنی که یک محدوده تفاوت سنی خاصی را برای مرد و زن در قانون مربوط به تشکیل خانواده در نظر بگیرند، تا از این طریق دفاتر ثبت ازدواج از انجام چنین ازدواج‌هایی

ممانعت به عمل آورد. زیرا که تفاوت سنی زیاد بین زن و شوهر، معمولاً موجب تفاوت در سلیقه، نگرش، ابراز نیاز، و حتی مقدار نیاز «مخصوصاً در نیاز به رابطه جنسی که هسته اساسی زندگی زناشویی هست»، می‌شود و این تفاوت‌ها با خود تنش‌هایی حل نشده‌ای را در محیط خانواده به همراه دارد، انجام کارهای فرهنگی - اجتماعی برای آگاهی دادن به خانواده‌ها و افراد که ازدواج و تشکیل زندگی را با نگاه معاملاتی اشتباه بگیرند. به این معنی که افراد برای فرار از هزینه جشن عروسی و یا به امید درآمد و حقوق زن اقدام به ازدواج نکنند، زیرا که این چنین پیمان‌هایی از همان اول شکست خورده است و به سرانجام نمی‌رسد و آموزش افراد و خانواده‌ها برای آشنایی با نیازهای واقعی جنسی خود و آموزش مهارت‌های اجتماعی برای ابراز این نیاز در چارچوب خانواده. هر انسانی بنا به مقتضیات سنی - جسمی و روحی - روانی خود در رابطه با نیاز جنسی خود کیفیت و کمیت خاصی را می‌طلبد. بنابراین اول این که تفاوت در ابراز نیاز جنسی، لزوماً به معنای بی‌میلی جنسی، ناتوانی جنسی و یا زود ارضایی نیست. این تفاوت آدمهاست که این تفاوت‌ها را ایجاد کرده است. زن و شوهرها برای داشتن یک رابطه خوب و رضایت‌بخش باید بتوانند نیازهای واقعی خود را ابراز کنند و بین نیازهای ضروری (مخصوصاً نیاز جنسی خود) تعادل ایجاد کنند.

نتیجه‌گیری

در هر مکان و هر زمان، عدم برآورده شدن انتظاراتها، زمینه بروز نارضایتی و احساسات ناخوشایند را در آن مجموعه و فضا ایجاد می‌کند. از آنجا که در نخستین گروه غیر رسمی که صمیمی‌ترین گروه نیز می‌باشد، بیشترین میزان تعاملات و برهم‌کنش‌های اجتماعی انجام می‌شود، در این چنین مواقع، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین کانال ارتباطی و حیاتی‌ترین شاهرگ تعاملی زن و مرد «رابطه فرا‌زنانشویی» به عنوان نوعی تحریم رابطه خانوادگی برگزیده می‌شود.

تقدیر و تشکر

با توجه به این که این مطالعه حاصل از رساله دکترای مصوب دانشگاه شیراز می‌باشد، از حمایت مادی - فکری این دانشگاه انجام شده است.

REFERENCES

1. Amato, P. The consequences of divorce for adults and children: an update, Pennsylvania state university; 2012; 25-6.
2. Iran Statistical Center. Report of the population sample survey. Tehran: Author ; 2015; 195
3. McNulty JK, Karney BR. Positive expectation in the early years of marriage: should couples expect the best or brace for the worst? 2004; 86, 729-743
4. Buss, D.M. and T.K. Shackelford, Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. J Res 1997; 31(2): 193-221.
5. Omarzu J, Motivations and emotional consequences related to engaging in extramarital relationships. Int J Sex Health 2012; 24(2): 154-62.
6. Baucom DH, Snyder DK, Gordon KC. Helping couples get past the affair: a clinicians guide New York: Guilford Press; 2009; 21-30.
7. Glass SP. Not just friends: Protect your relationship from infidelity and heal the trauma of betrayal. New York: Free Press; 2003; 45-6.
8. Snyder DK, Baucom DH. Gordon ktreating infidelity: an integrative approach to resolving trauma and promoting forgiveness infidelity: a practitioners guide to working with couples in crisis. New York ny: Routledge; 2007; 61.
9. Harely F, Willard CH. Freedom of infidelity of infidelity. Hosseini and aramneya. Tehran: Noandish; 2006; 132.
10. Drigotates S, Barta W. The cheating heart: scientific exploration of infidelity. Journal of Current Directions in Psychological Science 2001; 10: 177-80.
11. Kaveh S. Couple and infidelity. Tehran: sokhan; 2008; 87.
12. Shakelford TK, Buss DM. Weekes- shakelford va. Wife killings committed in the context of a lovers triangle. Journal Basic Appl Soc Psych 2003; 25: 137-43.
13. Marshall C, Rossman GB. Designing qualitative research. 2nd ed. Thousand Oaks, London, New Dehli: SAGE; 1995; 32-40.
14. Flick U. An Introduction to qualitative research. London: Sage; 1998; 53-60.
15. Creswell JW. Qualitative inquiry and research design: choosing among five tradition, thousand oaks. CA: Sage; 1998; 52.
16. Bagheri A, Parvizi A, Salsali M. Qualitative research. Boshra, Tehran; 2006; 112-20.
17. Shahrestani M. Prediction of the marital satisfaction from the communicative variable and marital intimacy in divorced women in Mashhad . Journal of Cultural and Women 2011; 14: 19-41.
18. Modaresy F. The adaptation marital and qualitative love in divorced that infidelities, danesh armeghan. The Journal of Medical Yasuj University 2013; 1: 78-89.
19. Mohsensadeh F. The qualitative study of factor marital dissatisfaction. Journal of Women and Family 2010; 53: 44-6.

The Process of the Formation of Post-marital Relationship from the Perspective of Men

Panjehband SU^{*}, Enayat H

Department of Sociology, University of Shiraz, Shiraz, Iran

Received: 25 May 2016 Accepted: 12 Nov 2016

Abstract

Background & aim: The Increasing phenomenon of post-marital relationship in the society has had adverse consequences. One of the consequences, is the instability of family foundations and the disintegration of social cells (families). The aim of this study was to determine the formation process of meta-marital relationship from mens viewpoint.

Methods: The methodology of this study was grounded theory method. 16 men with purposive sampling method were selected as participants in Gachsaran city, Iran. The data was obtained through semi-structured interviews and was analyzed due to the three stages of "open, axial and selective" coding.

Results: Findings of the study were categorized in three major categories: the emotional disproportionate relationship-sexual between men and women's, and, socio-cultural structure predisposing of men and women's sexual dissatisfaction and incorrect criteria for choosing a spouse and one core category named extramarital relationship, hiding object was created.

Conclusion: Men Narrative participants indicated that due to spouse selection of "being unemployed, elder girl age, girl escape from his parental house, the divorced couple, and of man being widowed", were are indications that they were forced to be married. Also, due to "employed women and pressing sexual desire "was the tool selection. In most of these marriages, men and women had a great age difference, and initially there was no love among them. The prevailing of cold atmospherel and indifference in the marital relations caused led to the fact that they could not meet the emotional needs of each other. Moreover, the culture of modesty dominant over most of the Iranian families has banned the talk of sex and its quality not only in public environments such as schools, universities, radio and television, but also in the family and even between men and women as a "taboo", and these couples can not talk about the quality of their sex life with eachother. At this situation, the women with post-marital relationship have expressed their objections by hidden relationships.

Key words: Infidelity, Qualitative methodology, Grounded theory, Latent appose

Corresponding author: Panjehband SU, Department of Sociology, University of Shiraz, Shiraz, Iran
Email: panjehband@yahoo.com

Please cite this article as follows :

Panjehband SU, Enayat H. The Process of the Formation of Post-marital Relationship from the Perspective of Men. Armaghane-danesh 2016; 21 (8): 830-845.